

نقد جامعه‌شناختی جلوه‌های مدرنیته رمان «یوم قتل الزعیم» نجیب محفوظ بر اساس نظریه گیدنز

مهرداد آقایی^{۱*}، حسین نظری^۲

۱- نویسنده مسئول*، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. رایانامه: m.aghaei@uma.ac.ir

۲- گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. رایانامه: hosseinnazari30@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مدرنیته به عنوان پدیده‌ای تاریخی است که آثار و پیامدهای آن در جمیع اقسام حیات بشری بروز کرد، این پدیده نوظهور رهاوردی از تمدن و جامعه غربی به جهان بود که در اکثر جوامع با قدرت مثال زدنی جامعه سنتی را تحت تاثیر قرار داد و قدرت واقعی خود را نشان داد. نقد جامعه‌شناختی یکی از شیوه‌های نقد و مطالعه آثار ادبی است که در این شیوه به بررسی محتوای اثر و ارتباط آن با اجتماع پرداخته می‌شود. در این نقد از نظریات متفکرینی چون لوکاج، گلدمن، گیدنز و ... استفاده می‌شود. علی‌رغم اینکه گیدنز باور به دوام نرم سنتی جامعه در برابر هجوم مدرنیته دارد، اما نجیب محفوظ رمان‌نویس شهیر مصری، در رمان «یوم قتل الزعیم» از شرایطی در جامعه مصر سخن می‌گوید که مدرنیته به درجه قابل توجهی از ثبوت و دوام در بیشتر نهادهای جامعه رسیده است. هدف این پژوهش بررسی جلوه‌های مدرنیته داستان در این رمان نجیب محفوظ از منظر جامعه‌شناختی به روش توصیفی تحلیلی است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که جامعه مصری به تصویر کشیده شده در این رمان از لحاظ اجتماع، سیاست و اقتصاد کاملاً به مدرنیته گردن نهاده است و تنها جایی که نمی‌توان اثر مشهودی از مدرنیته در آن دید فرهنگ (عقاید) مصری است. در این رمان تمام شخصیت‌های داستان به جز پدر رنده سلیمان مبارک به مفاهیم دینی و اعتقادی جامعه سنتی مصر باورمند هستند و نمی‌توان شخصیتی را در داستان یافت که به طور نظام‌مند به باورها و عقاید سنتی تاخته، آنها را نقد و عقاید مدرن را بر آنها جایگزین کرده باشد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸	
کلیدواژه‌ها: مدرنیته، نقد جامعه‌شناختی، نجیب محفوظ، رمان یوم قتل الزعیم.	
استناد: آقایی، مهرداد؛ نظری، حسین (۱۴۰۴). نقد جامعه‌شناختی جلوه‌های مدرنیته رمان «یوم قتل الزعیم» نجیب محفوظ براساس نظریه گیدنز. <i>مطالعات نقدی تطبیقی در ادب عربی</i> ، ۱ (۱)، ۱-۱۷.	

۱. مقدمه

مدرنیته در اروپا از دوره رنسانس آغاز شد و با انقلاب‌های سیاسی غرب، روشنگری فلسفی و کشفیات چشمگیر علمی در زمینه‌های مختلف ثبوت یافت که چهره حیات بشری را به شکل جدی دگرگون و متحول ساخت. نظریه انقلابی کوپرنیک درباره مرکزیت خورشید، پیدایش صنعت بخار، توسعه علم فیزیک به وسیله امثال نیوتن، نظریه فروید درباره خودآگاه و ناخودآگاه انسان، نظریه تکامل و فرگشت چارلز داروین و انقلاب‌های سیاسی جهان غرب همگی دست به دست هم دادند تا قداست را از آسمان‌ها سلب و به انسان شهری اعطا کنند و عصری را به وجود آوردند که از آن به مدرنیته تعبیر می‌شود. از طرفی مدرنیته در برابر وضعیتی بود که از آن به سنت تعبیر می‌شود که چنبره باورها و عقاید بر ذهن و رفتار بشر محسوس بود، دین یک دستگاه جامع برای پاسخگویی به نیازهای بشر در ساحت‌های مختلف سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ بود، دستگاه تعلیم و تربیت سادگی مخصوص به خود را داشت و نهاد خانواده و امر ازدواج به ترتیب گستردگی و سهولت خود را داشتند. با این حال مدرنیته در جوامع شرقی من جمله ایران و جوامع عربی به سان مصر روند مخصوص و گاه مشابهی را طی کرد که همانند اروپا از نقد نابسامانی‌ها و خرافات اجتماعی شروع و دامنه‌اش به دستگاه دین و نهاد سیاست کشیده شد. مصر به عنوان طلایه‌دار مدرنیته در بین جوامع عربی رنگ و بوی مدرنیته را با حمله ناپلئون بناپارت لمس کرد و این رویارویی با مدرنیته آثار خود را در زمینه‌های مختلف مانند ادبیات، سیاست، اجتماع و... نشان داد و به سهولت در سبک نگارش متون، مردمی بودن و دغدغه‌مند بودن آثار ادبی و پیدایش ژانرهای نوین ادبی در جامعه مصری مانند نمایشنامه و رمان به تقلید از جامعه غربی انجامید.

ادبیات یک ملت زبان گویای آن ملت است که وظیفه بیان و توضیح احوال آنها را بر عهده دارد و با بررسی آثار ادبی یک جامعه می‌توان به شرایط اجتماعی آن چه در زمان نگارش اثر و یا چه پس و پیش از آن پی برد. جامعه‌شناسی ادبیات یک مطالعه میان رشته‌ای است که از یافته‌های ادبیات و جامعه‌شناسی بهره می‌جوید و آثار ادبی را طبق نظریات جامعه‌شناسان بررسی می‌کند. آنتونی گیدنز یکی از جامعه‌شناسانی است که مدرنیته را به خوبی مطالعه و بررسی کرده و نظریات خود درباره مدرنیته را در آثاری مانند «پیامدهای مدرنیته» و «مدرنیته و هویت شخصی» ارائه داده است.

۱-۱- سؤالات پژوهش

این پژوهش با خوانشی جامعه شناختی به دنبال پاسخ دادن به پرسش‌های زیر است:

۱. نویسنده داستان به چه جلوه‌هایی از مدرنیته در رمان پرداخته است؟
۲. کدامیک از بخش‌ها و نهادهای جامعه درون رمان بیشتر از مدرنیته متأثر شده‌اند؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

نجیب محفوظ به دلایلی مانند کسب جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۸۸ و مهارت نویسندگی عالی شهرت زیادی در دنیا داشته و دارد به همین دلیل آثار او همیشه دستاویز پژوهش‌های مختلفی از جانب پژوهندگان سر تا سر جهان با موضوع‌های متفاوتی بوده‌اند که ما این زیر به برخی پژوهش‌های مرتبط با رمان «یوم قتل زعیم» او اشاره خواهیم کرد:

۱. مقاله «قراءة في رواية نجيب محفوظ يوم قتل الزعيم اللحظة المشحونة بالاندهاش وسقوط البرجوازية الصغيرة في حفرة الانفتاح» اثر عبدالرزاق ابوالعلا (۱۹۸۹) که اثر را بازتابی از شرایط جامعه نویسنده دانسته و به بررسی مشکلات اقتصادی درون جامعه که بر اثر سیاست‌های انفتاح پدید آمده‌اند پرداخته است.

۲. پایان‌نامه ارشد بررسی «بررسی عناصر داستان در چهار رمان گدا، دزد و سگ‌ها، روز قتل رئیس جمهور و رادویس دلداده فرعون از آثار نجیب محفوظ» نوشته کریمی (۱۳۹۳) که نویسنده با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی عناصر داستان‌های مذکور پرداخته است و بر اساس بررسی خود باور به رئالیست بودن نجیب محفوظ دارد که در آثار محفوظ زمان و مکان واضح است و پیرونگ داستان بر اساس روابط علی و معلولی است.

۳. مقاله «بررسی رمان یوم قتل الزعیم نجیب محفوظ بر اساس نظریه ریخت‌شناسی پراپ» نوشته مشایخی و میرسیدی (۱۳۹۵) که نویسندگان باور به مطابقت اثر با توالی کارکردهای پراپ دارند هرچند که گاه مصادیق آن به طور دقیق اتفاق نیفتاده است، همچنین نویسندگان باور به این دارند که می‌توان داستان‌های عربی را بر اساس الگوی پراپ بررسی و تحلیل ریخت‌شناسی کرد.

۴. مقاله «أثرالدین و تعالیمه فی رواية يوم قتل الزعیم لنجیب محفوظ» نوشته نظری و تفتچی (۱۳۹۶) که نویسندگان به بررسی تاثیر دین در داستان، ذکر آیات الهی، احادیث نبوی و پدیده تناس به شکل مستقیم و غیر مستقیم بین متن، قرآن و احادیث پرداخته‌اند و قائل به وجود تاثیر پذیری داستان از دین در سه بخش تاثیر از قرآن، حدیث و دعا و تصوف هستند.

۵. پایان‌نامه ارشد «بررسی تطبیقی ارتباط غیر کلامی در داستان معاصر مطالعه موردی شب نشینی باشکوه و روز قتل رئیس جمهور» نوشته منصوری (۱۳۹۷) که به رمزگشایی رفتارهای غیرکلامی اثر می‌پردازد و باور به وجود ارتباط غیر کلامی در کنار ارتباط کلامی و دلالت‌های فرامتنی در ادای مفهوم و ایجاد فضای متناسب در اثر محفوظ و ساعدی دارد.

۶. مقاله «مؤلفه‌های پسانوگرایی در داستان یوم قتل الزعیم اثر نجیب محفوظ» اثر عسکری، خدادادیان، جهانشاهلو (۱۳۹۹) که اثر را از منظر شاخص‌های پست مدرنیسمی بررسی کرده‌اند و قائل به وجود ماهیتی تخیلی در داستان هستند و طبق نظر ایشان از بین مؤلفه‌های متعدد پست مدرنیسم تناقض، اتصال کوتاه، عدم قطعیت و بینامتنیت بیشترین نمود را در داستان دارند.

۳-۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر به دنبال کشف و تبیین موضوع و مسئله تحقیق بر اساس روش توصیفی-تحلیلی است و به بررسی داستان مذکور از منظر جامعه‌شناختی با تکیه بر نظریات آنتونی گیدنز می‌پردازد. در این پژوهش ابعاد و جلوه‌های مدرنیته در چهار بخش فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و سیاست مورد بررسی قرار گرفته‌اند. جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های پژوهش نیز از طریق منابع کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اینترنتی معتبر صورت گرفته است.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. آنتونی گیدنز

آنتونی گیدنز (Anthony Giddens) جامعه‌شناس زاده ۱۸ ژانویه ۱۹۳۸ در لندن انگلستان است که از آرا و آثار او می‌توان به ساختاربندی و نگاه کل‌نگرانه به جامعه‌های مدرن، پیامدهای مدرنیت، تجدد و تشخیص، ساخت جامعه و... اشاره کرد. «گیدنز اولین عضو خانواده اش بود که به دانشگاه رفت و در دانشگاه هال و مدرسه اقتصاد لندن (LSE) تحصیل کرد و به تدریس در دانشگاه لستر و کمبریج به عنوان استاد جامعه‌شناسی ادامه داد. گیدنز به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های جامعه‌شناسی مدرن، بیشتر به‌خاطر نظریه‌ی ساختار بندی و نگاه کل‌نگرانه‌اش به جوامع مدرن شناخته می‌شود» (gold.ac.uk).

۲-۲. خلاصه داستان

این داستان، داستانی اجتماعی و سیاسی به سبک جریان سیال ذهن است که نجیب محفوظ آن را در سال ۱۹۸۵ منتشر کرد. داستان در دهه هشتاد قرن بیستم میلادی درون جامعه مصری با مشکلات اقتصادی حاصل از سیاست گشایش اقتصادی انور سادات اتفاق می‌افتد و از زبان سه شخصیت اصلی محتشمی زاید (پیرمردی سالخورده، ساکن قاهره و مذهبی که با پسرش فواز، عروسش هناء و نوه‌اش علوان زندگی می‌کند. او شدیداً مذهبی است و دوی درد خود را در مذهب و قرآن می‌یابد و نماد نسل سالخورده قدیمی است)، علوان محتشمی زاید (نوه محتشمی زاید و جوانی شاکی از روزگار به دلیل تنگدستی است که در یک شرکت دولتی مربوط به ترجمه کار می‌کند. او عاشق و نامزد رنده سلیمان مبارک است که به دلیل مشکلات اقتصادی نمی‌تواند با رنده ازدواج کند و نهایتاً رئیس خود انور علام را به قتل می‌رساند و نماد نسل جوان ناامید از وضعیت کشور است) و رنده سلیمان مبارک (دختر جوانی که نامزد و معشوقه علوان است که ۲۶ سال سن دارد اما به دلیل مشکلات اقتصادی نمی‌تواند ازدواج کند و نهایتاً خطبه عقدشان با اصرار مادر رنده فسخ می‌شود و او هم نماد نسل جوان سرخورده از مشکلات و اوضاع نابسامان اقتصادی است) روایت می‌شود.

داستان به طور ضمنی به مسأله قتل رئیس جمهور مصر انور سادات در ششم اکتبر ۱۹۸۱ توسط خالد اسلامبولی یکی از اعضای گروه جهاد اسلامی (قتل انور علام توسط علوان در داستان) اشاره دارد. «این داستان به نوعی حماسی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روان‌شناختی به شمار می‌آید که در آن نویسنده، دغدغه‌های نسل جوان معاصر خود را در قالب شخصیت‌های علوان فواز محتشمی و رنده سلیمان به تصویر کشیده است. علوان فواز و رنده سلیمان، نمونه نسل سرکش، غریب، فاقد قدرت و گم‌گشته‌ای هستند که در پی تحقق یافتن ساده‌ترین آرزوها و رویاهای مشروع انسانی‌شان یعنی ازدواج می‌باشند، اما در سایه آنچه سیاست گشایش اقتصادی مصر نامیده شده، با مشکلاتی روبرو می‌شوند» (عسکری، ۱۳۹۹: ۱۰۶).

۲-۳. سنت

سنت مجموعه‌ای از عقاید، باورها، آداب، هنجار و نمادهایی است که ریشه در جامعه گذشته بشری دارد که از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است. «ریشه اصلی سنت (Tradition) به معنای انتقال دادن است» (جهانگلو، ۱۳۸۷: ۲۰۶) و بر این اساس می‌توان گفت که ویژگی اصلی سنت شاخصه انتقال شوندگی آن از نسلی به نسل دیگر است. مارشال در تعریف سنت می‌گوید: «یک دسته رسوم اجتماعی که درصدد تکریم و القای هنجارها و ارزش‌های رفتاری معین و متضمن تداوم گذشته‌ای واقعی یا خیالی هستند. این رسوم، معمولاً با مناسک بسیار رایج یا دیگر اشکال رفتار نمادین پیوند دارد» (مارشال، ۱۳۸۸: ۱۱۹۶). هر جامعه‌ای دربردارنده برخی سنن و آداب و رسوم خاص خود است که با جوامع مختلف فرق دارند.

۲-۴. مدرنیته

مدرنیته (Modernity) واژه‌ای با ریشه لاتینی است که از آن به تجدد و نوگرایی نیز تعبیر می‌شود. «تبار واژه‌ی «مدرن» لفظ لاتینی modernus است که خود از قید modo مشتق شده است. در زبان لاتین معنای modo «این اواخر، به تازگی، گذشته‌ای بسیار نزدیک» بود.» (احمدی، ۱۳۷۷: ۳). «مدرن، از واژه لاتین modo به معنای «اکنون» و «همین الآن» گرفته شده است که معانی مثل «رایج»، «جاری» و «متداول» را نیز در بر می‌گیرد. ریشه لغوی این واژه را نه در اعصار اخیر، بلکه باید در دوران قبل جست‌وجو کرد. واژه «مدرن» در شکل لاتینی‌اش «مدرنیوس» برای اولین بار در اواخر قرن پنجم به منظور جداکردن گذشته رومی و غیر مسیحی از زمان حالی که رسماً به مسیحیت گرویده بود، به کار گرفته شد. در طول تاریخ واژه مدرن با معانی متفاوت، مکرراً

بیان کننده ذهنیت دورانی بوده است که خود را در مقابل گذشته باستانی قرار می‌دهد و خود همچون گذار از قدیم به جدید است» (حقانی، ۱۳۹۳: ۱۶).

مورخین هیچ گاه درباره مدرنیته همراهی و هم عقیده نبوده‌اند. «یکی از بزرگترین فیلسوفان میشل فوکو گفته است: «من هرگز به دقت ندانسته‌ام که ما در زبان فرانسوی به چه چیزی می‌گوییم مدرنیته،» (احمدی، ۱۳۷۳: ۸)

درباره نقطه شروع تحولات مدرنیته اختلافاتی وجود دارد به گونه‌ای که برخی از اندیشمندان شروع آن را از قرن ۱۵ میلادی و فتح استانبول به دست سلطان محمد فاتح عثمانی می‌دانند و عده‌ای نیز نقطه آغاز این تحولات را اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بیان می‌کنند.

در خصوص ویژگی‌های مدرنیته نیز می‌توان گفت که «مدرنیته یعنی روزگار پیروزی خرد انسانی بر باورهای سنتی، رشد اندیشه علمی، افزون شدن اعتبار دیدگاه فلسفه‌ی نقادانه، که همه همراهند با سازمان‌یابی تازه تولید و تجارت، شکل‌گیری قوانین مبادله کالاها، و به تدریج سلطه جامعه مدنی بر دولت.» (همان: ۹) «مدرنیته پدیده‌ای ذاتا جهانی است و این قضیه در برخی از بنیادی‌ترین ویژگی‌های نهادی مدرن به‌ویژه از جا کندگی و بازاندیشی این نهادها، آشکار است. جهانی شدن را می‌توان به عنوان تشدید روابط اجتماعی جهانی تعریف کرد، همان روابطی که موقعیت‌های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می‌دهد که هر رویداد محلی تحت تاثیر رویدادهای دیگری که کیلومترها با آن فاصله دارند، شکل می‌گیرد و برعکس» (گیدنز، ۱۳۹۴: ۷۶ و ۷۷).

مدرنیته نیز به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، فکری، فلسفی و فرهنگی که آثار آن جهان را درنوردید موافقان و منتقدانی زیادی در سر تا سر جهان داشت و دارد، عده‌ای پیشرفت علوم و رفاه زندگی بشری را دستاورد مدرنیته دانسته و آن را ستوده و عده‌ای نیز با توسل به برده‌داری غربی، استعمار و پدیده‌هایی نظیر فاشیسم و نازیسم آن را مورد مذمت قرار می‌دهند. «پس از قرن‌ها سروری نوگرایی، در قرن بیستم روابط روشن‌فکران و به دو دلیل زیر و روشد. دلیل اول اینکه تجدد به تولید و مصرف انبوه تبدیل شد و دلیل دوم اینکه دنیای عقل متجدد، در این قرن، بیش از پیش تابع سیاست‌های نوسازی و دیکتاتوری‌های ملی‌گرا شد» (تورن، ۱۳۸۰: ۲۵۵).

مدرنیته دورانی بود که بشر بر ترس‌های خود نسبت به بلایای طبیعی و مجهولات خود غلبه کرده، خرافات را از علم زدوده، انقلاب‌هایی را برای حقوق و آزادی خود به راه انداخته و زنجیرهای بندگی خود را هم از کلیسا و هم از مزارع کشاورزی درید و خواهان حق رای و برابری حقوق حیاتی خود شد. جدایی دین از دولت، دین‌گریزی، شکل‌گیری دولت ملت‌ها، دموکراسی و مردم‌سالاری، تاکید بر عقل ابزاری و مطالبه آزادی‌های فردی از ویژگی‌های بارز دوران مدرنیته بود.

۲-۴-۱. حوزه‌های مدرنیته

مدرنیته به عنوان پدیده‌ای که خود بیانگر هویت چند سده از تغییرات و تحولات تاریخ بشری است و مجموعه‌ای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فلسفی است دارای ابعاد مختلفی است. «مدرنیته عمدتاً چهار حوزه اصلی را در بر گرفت:

۱- **مدرنیته سیاسی:** در قالب مفاهیم مدرنی مثل دموکراسی، حقوق، حقوق شهروندی، سکولاریسم، پلورالیسم، لیبرالیسم و ... شکل گرفت که اعصار پیش از آن چنین معنایی را افاده نمی‌کرد.

۲- **مدرنیته علمی و تکنولوژیک:** که نتیجه آن گسست معرفتی با کیهان‌شناسی ارسطویی، ایجاد علم جدید، انقلاب صنعتی و تکنولوژی مدرن بود.

۳- مدرنیته زیبایی‌شناختی: که از رابطه جدید انسان با زیبایی و مفهوم جدید ذوق و سلیقه نشأت گرفت.

۴- مدرنیته فلسفی: مدرنیته به معنای آگاهی سوژه فردی از طبیعت و سرنوشت خود و قرار دادن این سوژه به منزله پایه و اساس تفکر و اندیشه است (جهانبگلو، ۱۳۸۴: ۲۱)» (حقانی، ۱۳۹۳: ۱۵).

۲-۴-۲. پدیده‌شناسی مدرنیته

به عقیده گیدنز نحوه زندگی کردن در جهان مدرن بیشتر با دو تصویر مشخص می‌شود که گیدنز هر دو تا را هم تصویر کاملی نمی‌داند و از تصویر دیگری به نام «گردونه بی‌مه‌ار» بحث می‌کند که همچون ماشین بی‌فرمانی است که دارای قدرتی عظیم است و انسان قادر به سواری گرفتن از آن است اما هر آن ممکن است از نظارت انسان خارج شود. «یک تصویر از آن وبر است که بنابر آن، بندهای عقلانیت روز به روز تنگتر می‌شوند و انسان را در قفس بی‌هویت رهواره دیوانسالارانه زندانی می‌سازند. به نظر وبر، تجربه روزانه رنگ و بو و خودجوشی‌اش را در مدرنیته حفظ می‌کند، ولی تنها در پیرامون قفس «فولادین» عقلانیت دیوانسالارانه. این تصویر قدرت زیادی دارد و در ادبیات تخیلی سده بیستم و به‌گونه‌ای مستقیم‌تر در بحث‌های جامعه‌شناختی تأثیر نیرومندی داشته است. تصویر دوم از آن مارکس است و نیز بسیاری از کسان دیگر، چه خود را مارکسیست بدانند و چه ندانند. برابر با این تصویر، مدرنیته غولی انگاشته می‌شود. مارکس شاید بسیار شفاف‌تر از هر یک از معاصرانش، تشخیص داده بود که مدرنیته چه تأثیر ویرانگری دارد و چقدر برگشت‌ناپذیر است. به نظر من به‌جای این دو تصویر باید از تصویر گردونه بی‌مه‌ار استفاده کرد، یعنی همان ماشین بی‌فرمانی که قدرت عظیمی دارد و ما انسانها تا حدی می‌توانیم از آن سواری گیریم، ولی هر آن ممکن است از نظارت ما خارج گردد و خودش را متلاشی کند» (گیدنز، ۱۳۹۴: ۱۶۴-۱۶۶).

۲-۴-۳. پیامدهای مدرنیته

مدرنیته به‌عنوان یک پدیده شایع اجتماعی مزایا و معایب و موافقان و مخالفان زیادی داشت، از طرفی با پیشرفت علوم مختلف و دگرگونی‌های اجتماعی حاصله از مدرنیته شاهد کاهش مرگ و میر نوزادان، احقاق حقوق زنان، تغییر رویه‌های سیاسی پیشین و سنتی، خرافه زدایی از اذهان و... بودیم و از طرفی هم با رد آشکار و صریح دستگاه دین و ناامیدی و مشکلات روحی، روانی ناشی از آن، ماشینی شدن زندگی و به اسارت گرفتن انسان مدرن توسط اربابان سرمایه، اقتصاد و سیاست‌های جهانی و استعمارها و استثمارهای طولانی قفسی آه‌نین برای انسان مدرن رقم زده شد.

سکولاریسم از دیگر پیامدهای مدرنیته بود که با ایجاد شک و تردید در دستگاه دین و طرح شبهه‌های مختلف درباره مباحث دینی همراه بود، سکولاریسم زاده عقلانیت و روشنگری در غرب بود که اساساً هیچ مکاشفه و دریافت وحیانی را باور نداشت، ابتدائاً به‌صورت غیر مستقیم و بعدها با صراحت ناسازگاری عقاید دینی را با علم بیان می‌کرد و همه چیز را از زیر تیغ عقلانیت ابزاری مخصوصی می‌گذراند و هرچه را که با علم تجربی قابل اثبات و بررسی نبود یا نفی می‌کرد یا فاقد ارزش می‌دانست. امروزه ابتدایی‌ترین مفهوم منتج از سکولاریسم همان مفهوم دوری از دین و عدم دخالت دستگاه دین و شریعت در سیاست‌گذاری و حکمرانی است.

«تعریف وبر از عقلانیت مدرن سه بعد عمده دارد: نخست؛ تعقلی شدن دنیا؛ غلبه نگرش علمی بر معارف انسانی. از نظر وبر این نگرش بر کلیه حیطه‌های اندیشه و خلاقیت در غرب حتی در حیطه هنر غلبه یافت. در واقع هم از سوی کلیسا و هم مردم پذیرفته شد که علاوه بر وحی و کتاب، منبع دیگری برای الهام وجود دارد و به عقل انسان و علم به‌عنوان بخشی از جهان، مشروعیت

بخشیده شد. دوم؛ ابزاری شدن عقلانیت: رشد عقلانیت به معنای «حصول حساب شده هدفی معین از طریق استفاده از محاسبات». وجه عینی آن سرمایه‌داری مدرن و نهاد دیوان‌سالاری است. سوم؛ عقلایی شدن اخلاق: شکل‌گیری اخلاقیاتی که به‌طور نظام‌مند و روشن، معطوف به اهداف ارزشی معینی هستند. این نوع کنش از نظر به‌کارگیری ابزار، عقلانی؛ اما از نظر اهداف غیر عقلانی است. نمونه بارز آن اخلاق پروتستانی است (وبر، ۱۳۸۴: ۹ و ۸؛ حقانی، ۱۳۹۳: ۱۰۵).

«پدیده مدرنیته برای جامعه بشری پیامدهای مثبت و منفی بسیاری به همراه داشت. سوء استفاده از این پیامدها، آثار مخرب و ویرانگری در جوامع انسانی برجای گذاشت. وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم، کشتارهای بی‌شمار، ویرانی، آوارگی انسانها و... از نتایج سوء استفاده از این پدیده می‌باشد» (قاسم زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۶).

«با کم‌رنگ شدن ارزشهای معنوی و اخلاق، سنتهای گذشته به دست فراموشی سپرده و معیارهای ارزشی جایگزین آنها شد. اما این پایان داستان نبود؛ جایگزینی این ارزش‌ها و شیوه‌های فکری جدید که همه امور مطلق و نازل شده بر انسان را به چالش می‌کشید قربانیان فراوانی داشت و منجر به فروپاشی بسیاری از بنیادهای نهادینه شده و مراجع قدرت، از جمله خانواده، فرهنگ مردسالارانه، سنت ازدواج، مذهب، زندگی روستایی، اقتدار شخص و غیره شد. این فروپاشی موجب پیدایش مفاهیم نوینی از جمله فردگرایی، حقوق زنان، بی‌دینی و فساد عمومی، مهاجرت به شهرها و حومه‌نشینی، شخصیت‌های آسیب‌پذیر و شکننده، ناراحتی‌های روحی و روانی و بسیاری از مسایل دیگر شد. این فرایند بسیار پیچیده و سهمگین بود، اما نیل به مدرنیسم هیچ‌گاه باعث زدوده شدن کامل سنت از صفحه افکار و اعمال انسان نشد، به‌نحوی که همواره می‌توان کشمکش‌های کوچک و بزرگ را در سرتاسر زندگی بشر مدرن و حتی پسامدرن جستجو و مشاهده کرد» (جان نثاری لادانی، ۱۳۹۱: ۱۴۲).

۲-۴-۴. مدرنیته در مصر

به زعم بسیاری از مورخین و ادبا حمله ناپلئون به مصر و به تبع آن اصلاحات دوران محمد علی پاشا سرچشمه آشنایی مصر و سایر بلاد عربی با مدرنیته و تجدد بوده است. طه حسین ادیب بزرگ مصری در کتاب «التقلید و التجدید» در این باره می‌گوید: «رقابت بین فرانسه و بریتانیا در اواخر قرن ۱۸ باعث حمله ناپلئون به مصر جهت قطع راه بریتانیا از دسترسی به شرق و خصوصاً هند شد و این امر از ناحیه‌ای شر و از ناحیه‌ای دیگر سرچشمه خیر و خوبی بود که باعث شد جهان شرق از خواب بیدار شود و بفهمد که دنیا دگرگون شده و پیشرفت کرده است و این حمله دارای دو اثر در حیات سیاسی و عقلی ما بود: اولی اندیشه انقلابی و دومی چاپخانه» (طه حسین، ۲۰۱۷: ۲۷ و ۲۸).

پس از خروج فرانسویان از مصر و شروع اصلاحات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اداری و نظامی محمد علی پاشا مصر دچار تحولاتی اساسی در اکثر زمینه‌ها من جمله ادبیات شد و امکان آشنایی مصریان با تمدن جدید غرب را مهیا ساخت. «کشور مصر از جمله مهم‌ترین جوامع اسلامی بود که پیدایش بذریه‌های اولیه مدرنیته در آن، همزمان با ورود ناپلئون بناپارت به آن رخ نمود و در پی حکومت محمدعلی پاشا نخستین رهبر اصلاح طلب مصری گسترش یافت. وی همواره این پرسش را پیش روی خود داشت که راه دستیابی به قدرت و علل پیشرفت غربی‌ها چیست؟ و در نهایت آنچه توجه وی را جلب نمود، تجهیزات نظامی مدرن غربیان بود که عامل برتری آن‌ها بر جوامع شرقی به حساب می‌آمد. به همین دلیل محمدعلی پاشا تنها راه نیل به اهدافش را نوسازی مصر در عرصه‌های مختلف بر اساس نسخه‌برداری از الگوهای غربی می‌دانست» (برزگر کلیشیمی و خدایی قشلاق، ۱۳۹۳: ۶۴).

۲-۵. مظاهر مدرنیته در رمان «یوم قتل الزعیم»

حال به بررسی جلوه‌ها و مظاهر مدرنیته و زندگی مدرن در رمان «یوم قتل الزعیم» در چهار بخش فرهنگ (عقاید و اعتقادات)، اجتماع، اقتصاد و سیاست می‌پردازیم.

آنتونی گیدنز در کتاب پیامدهای مدرنیت درباره انقطاع‌های مدرنیت این نکته را ذکر می‌کند که «چگونه می‌توان انقطاع‌هایی را تشخیص داد که نهادهای اجتماعی مدرن را از سازمان سنتی جدا می‌سازند؟ سه ویژگی را در این زمینه می‌توان دخیل دانست. یکی صرف شتاب دگرگونی است که عصر مدرنیت را به حرکت در می‌آورد. تمدن‌های سنتی ممکن است به گونه چشمگیری از نظام‌های دیگر ماقبل مدرن پویاتر بوده باشند، اما شتاب دگرگونی در شرایط مدرنیت بسیار تندتر است. شاید این امر از جهت تکنولوژی از همه آشکارتر باشد، اما همین شتاب قلمروهای دیگر را نیز تحت تاثیر قرار داده است. انقطاع دیگر همانا پهنه دگرگونی است. از آنجا که مناطق گوناگون جهان با یکدیگر مرتبط شده‌اند، موجهای دگرگونی اجتماعی کم و بیش سراسر سطح زمین را درنوریده‌اند. ویژگی سوم به ماهیت ذاتی نهادهای مدرن ارتباط دارد. برخی از صورت‌های اجتماعی مدرن در دوران تاریخی پیشین به هیچ روی به چشم نمی‌خوردند، مانند نظام سیاسی دولت ملی، وابستگی همه جایی تولید به منابع نیروی غیر جاندار یا کالایی شدن کامل محصولات و نیروی کار» (گیدنز، ۱۳۹۴: ۹).

۲-۵-۱. فرهنگ: عقاید و اعتقادات

عدم پابندی به اعتقادات دینی، بی‌دینی، عقل محوری و خردگرایی و موهوم پنداری عقاید دینی از جمله ویژگی‌های فرهنگی جهان مدرن بود که با ظهور اخلاقیات پست مدرنیسمی از شدت آن کاسته شد.

۱- بی‌دینی: «ماما زوجة موفقة رغم فارق السن بینها و بین بابا و رغم لادینیة بابا» (محفوظ، ۲۰۱۷: ۱۶) (ماما علی رغم تفاوت سنی‌اش با بابا و بی‌دینی او همسر موفقی است) رنده سلیمان مبارک به موفقیت در امر همسری و همزیستی مسالمت آمیز مادر خود با پدرش علی‌رغم بی‌دینی پدرش اشاره می‌کند.

باز در جایی دیگر رنده سلیمان مبارک به یکی از اخلاقیات پدرش اشاره می‌کند و می‌گوید: «فی ثورات غضبه یسب الدین» (همان: ۱۶) (پدرم موقع عصبانیت به دین و مذهب دشنام می‌دهد) سب دین به دلیل عدم پابندی به آن یکی دیگر از جلوه‌های مدرنیته است.

۲- موهوم پنداری عقاید دینی: «کیف أصدق أن مثلك یؤمن بالخزعلات؟» (همان: ۲۰) (چگونه باور کنم که کسی مثل تو به این خزعلات باور داشته باشد) پدر رنده سلیمان مبارک به محشمتی زاید اعتراض می‌کند و از متدین و معتقد بودن او تعجب می‌کند.

«مدرنیزاسیون لزوماً به سکولاریزه شدن منجر می‌شود که خود در بردارنده خصوصی سازی مذهب یا کاهش عمده عقاید و اعمال مذهبی است. تفرقه دینی و منازعات مذهبی پایه‌های مشروعیت یک دین منحصر حکومتی را از آن حکومت سلب می‌کند و حکومت را با این مسئله مواجه می‌کند که بنیان مشروعیت خود را بر هیچ دینی مبتنی نسازد و وابسته به هیچ دینی نباشد» (هابرماس، ۱۳۸۱: ۲۲۱) (حقانی، ۱۳۹۳: ۱۶۶). «مذهب و خانواده دو نهادی‌اند که در جامعه جدید (جامعه مدرن) بیش از حد تضعیف شده‌اند و اقتدار لازم را ندارند» (دورکیم، ۱۳۶۹: ۱۱).

«امیل دورکیم (Durkheim) بنیانگذار مکتب ساختارگرایی در جامعه‌شناسی، به بررسی مزایا و معایب مدرنیته پرداخته است. او در کتاب «تقسیم کار در جامعه» به این نتیجه دست یافته است که: «مدرنگری سبب تخصصی شدن کار می‌شود» (عضدانلو،

۱۳۸۴: ۵۶۳). به اعتقاد او یکی از مشکلات اصلی مدرنیته «تضعیف معیارها و ارزش‌های اخلاقی به ویژه معیارها و ارزش‌های مذهبی است» (قاسم زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۶).

۳- عقل‌گرایی: «أنا في عصر العقل و أن تعتمدي عليه كل الإعتما د فكل ماعداه باطل» (همان: ۴۰) (ما در عصر خرد هستیم و باید کاملاً متکی بر آن باشی و جز عقل همه چیز باطل است) انور علام مدیر علوان و رنده به رنده توصیه به عقل‌گرایی محض می‌کند و غیر عقل را باطل می‌پندارد. «از قرن پانزدهم میلادی در اروپا نگاه جدیدی به جهان و ساحت‌های زندگی انسان پدید آمد که به سرعت بسط و توسعه یافت. شاخصه این نگاه نو، عقل محوری و گرایش به سمت باورهای عقلانی بود. در این چشم‌انداز جدید، هر آنچه را با عقل جزئی‌نگر دکارتی و علوم تجربی قابل اثبات نبود، غیر عقلی و غیر علمی قلمداد می‌کرد. بنابراین گزاره‌های فلسفی و دینی و عرفانی را به این اتهام که آزمون‌پذیر نیستند و با درک عقلانی نمی‌توان شناخت، به بی‌معنایی محکوم می‌کردند» (بهشتی‌نیا، ۱۴۰۲: ۱۶۶).

با این حال با خوانش و بررسی دقیق رمان مشخص می‌شود که مدرنیته در بخش فرهنگ (عقاید) جامعه مصری درون رمان نفوذ چندانی نداشته است و حتی یکی از سه شخصیت مهم داستان (محتشمی زاید) یک شخص کاملاً متدین و متأثر از دین است که در جای جای رمان التزام او به دین و عقیده سنتی‌اش به چشم می‌خورد، نظری و تفتیحی در مقاله‌ای تحت عنوان «أثرالدین و تعالیمه في رواية لنجيب محفوظ» درباره تأثرات دینی در داستان بیان می‌کنند که: «نجیب محفوظ قرآن کریم را حفظ بود و قرآن آمیخته با گوشت و خون او شده بود. معانی قرآن را درک می‌کرد و به خوبی می‌دانست که چگونه و کجا از معانی قرآنی استفاده کند. راوی داستان (یوم قتل الزعیم) با مهارت و لطافت (خاص) تعالیم دینی را درون داستان ذکر می‌کند و (مستقیماً) به آن اشاره نمی‌کند. تأثرات دینی درون داستان به سه دسته منقسم می‌شود: ۱. تأثر از قرآن کریم ۲. تأثر از حدیث و دعا ۳. تأثر از تصوف» (جنیتی، تفتیحی، ۱۳۹۶: ۱۶).

۲-۵-۲. اجتماع: نهادها و پدیده‌های اجتماعی

با ظهور مدرنیته و تغییر و تحولات عمیق در جامعه بشری برخی پدیده‌های اجتماعی متحول شده و برخی نیز با توجه به نیازهای جدید جامعه مدرنیته پدید آمدند.

۲-۵-۲-۱. رسانه و سینما

رسانه و سینما از جمله پدیده‌های اجتماعی هستند که در دوران مدرن و تحت تأثیر اختراعات و اکتشافات جهان مدرن ساخته شدند. «أستمع إلي قرآن الصباح في الراديو» (محفوظ، ۲۰۱۷: ۷) (به قرآن صبحگاهی رادیو گوش می‌دهم) و «حيث أمضي وحدتي مستمعاً للقرآن والأغاني والأخبار في رحاب الراديو أو التليفزيون» (همان، ۸) (تنهایی‌ام را با گوش دادن به قرآن، اخبار و ترانه‌های رادیو یا تلویزیون سر می‌کنم).

«المسلسل التليفزيوني بدأ» (همان: ۱۷) (سریال تلویزیونی شروع شد).

«ألا تملك موهبة الفتى الأول في السينما؟» (همان: ۲۸) (استعداد کاراکتر اول شدن یک فیلم را داری؟).

«فیلم عن امرأة مجنونة، لم أحبه» (همان: ۳۷) (فیلم درباره زنی دیوانه است و مورد پسندم نیست) و «في القناة الأخرى خطبة» (همان: ۳۷) (کانال دیگری (برنامه) سخنرانی دارد).

«رسانه‌های جمعی، از زمان پیدایش ادبیات توده‌ای و مطبوعات عمومی در آخرهای سده نوزدهم اهمیت یافتند» (هیوود،

۱۳۹۱: ۲۹۵).

رادیو، تلویزیون، فیلم، کانال، سریال، سینما و... همه از جمله پدیده‌های اجتماعی هستند که زاینده جهان مدرن و مدرنیته می‌باشند و هیچ سابقه‌ای در جهان سنتی نداشته‌اند.

۲-۲-۵-۲. حمل و نقل

«والد أستاذتي علياء سميح يسوق تاكسي في أوقات فراغه ويربح أكثر طبعاً» (همان: ۸) (پدر استادمان خانم علیا مسیح در اوقات فراغت با تاکسی کار می‌کند و طبعاً درآمد بیشتری نیز دارد).

«ما أكثر سيارات» (همان: ۹) (چه اتومبیل‌هایی)

«صباح الخير أيها المكسدون في الباصات» (همان: ۱۱) (صبح بخیر ای انباشته شدگان در اتوبوس‌ها).

تاکسی، اتومبیل و اتوبوس از جمله وسایل حمل و نقلی هستند که مربوط به جهان مدرنیته می‌باشند و ریشه‌ای در گذشته جامعه بشری نداشته‌اند.

۲-۲-۵-۳. تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت با تأثیر از مدرنیته در همه جوانب خود همانند سایر نهادهای اجتماعی دستخوش تغییر و تحول گردید و شیوه‌ها، مراحل و محتوای آموزشی شکلی دیگر به خود گرفتند.

«لكن الحب اقتحم في حينه في المرحلة الثانوية» (همان: ۱۲) (اما عشق در آن زمان از دوره دبیرستان آغاز شد).

«لما نجحنا في الثانوية العامة» (همان: ۱۲) (زمانی که با هم دیپلم گرفتیم).

«إنها تدرس السكرتارية في معهد خاص» (همان: ۱۵) (او در آموزشگاهی خصوصی درس منشی‌گری می‌خواند).

«اشتغلت بمدرسة الإعدادية الأهلية» (همان: ۴۵) (در یک مدرسه راهنمایی خصوصی مشغول به کار شدم)

«الجرائم الأكاديمية في الجامعة» (همان: ۴۷) (جرائم آکادمیک در دانشگاه)

«لجان الطلبة» (همان: ۶۳) (کمیته‌های دانشجویی)

«فقد عرض عليّ بعضهم أن التحق بقسم الماجستير» (همان: ۶۸) (بعضی به من پیشنهاد داده‌اند که فوق لیسانس بخوانم).

مراحل تحصیلی در مدارس مانند دوره راهنمایی و دبیرستان، مدارک تحصیلی مانند دیپلم و فوق لیسانس و دانشگاه و تشکلهای مربوط به آن به مفهوم امروزی هیچ کدام پیشینه‌ای در جامعه مصر نداشته و همه محصول مدرنیته هستند.

۲-۲-۵-۴. سایر پدیده‌های اجتماعی

«إنه وزوجه يعملان في شركة قطاع خاص» (همان: ۸) (او و همسرش در یک شرکت خصوصی کار می‌کنند).

«سأكون عصابة للسطو علي البنوك» (همان: ۸) (باندی برای سرقت بانک‌ها تشکیل خواهم داد).

«أصدقاء العمر يجتمعون حول الدجاج المقلي والبطاطس والشراب والفونوغراف» (همان: ۹) (یاران زندگی دور مرغ بریان،

سیب زمینی، شراب و گرامافون جمع می‌شدند).

«أخيرا ها هي شركة الأغذية» (همان: ۱۱) (اخیراً هم این شرکت غذایی)

«الشقة.. الأثاث» (همان: ۱۲) (آپارتمان.. اثاث خانه)

«ضرب المفاعل العراقي» (همان: ۴۸) (بمباران نیروگاه هسته‌ای عراق)

شرکت‌های خصوصی، بانک‌ها، گرامافون، آپارتمان نشینی، و نیروگاه هسته‌ای پدیده‌های اجتماعی هستند که پس از دوران مدرنیته در اروپا به وجود آمده‌اند و همگی برای جامعه مصر درون داستان تازگی دارند و طبق نظر گیدنز درباره انقطاع‌های مدرنیت همگی مربوط به ماهیت ذاتی نهادهای مدرن هستند که در دوران تاریخی پیشین هیچ پیشینه‌ای نداشته‌اند.

۲-۵-۳. اقتصاد

در این رمان پرداخت به ویژگی‌ها و آثار اقتصادی مدرنیته چندان مشهود نیست و از بین مواردی که مربوط به اقتصاد است هم قطع بالیقین نمی‌توان مسائلی مانند گرانی و تورم «الأسعار جُنَّت» (همان: ۸) (قیمت‌ها جنون‌آمیز است) و «انفجر أخيرا الغلاء» (همان: ۹) (گرانی به حد انفجار رسیده است) را به مدرنیته نسبت داد و به همین خاطر به مشاغل و مسائلی که بعد از مدرنیته به وجود آمده‌اند و مطرح شده‌اند اشاره می‌کنیم.

«موزعین بین الحكومة والقطاع الخاص في سبيل اللقمة والضرورة» (همان: ۱۱) «به خاطر لقمه نانی، میان بخش دولتی و خصوصی در رفت و آمدند» (عزیزی بنی طرف، ۱۳۶۹: ۴۴).

«تزوجت من تاجر في وكالة البلح» (همان: ۲۷) (با تاجری از بنگاه خرما ازدواج کرد).

«حوانيت الأثاث والبوتيكات» (همان: ۴۷) (فروشگاه‌های لوازم خانگی و بوتیک‌ها).

اهمیت و پدیدار شدن بخش خصوصی از اقتصاد در کنار بخش دولتی، بنگاه خرما و فروشگاه لوازم خانگی و بوتیک همه از جلوه‌های مدرنیته در بخش اقتصادی جامعه مصر هستند که در جامعه سنتی مصر ریشه‌ای نداشته‌اند.

۲-۵-۴. سیاست

مدرنیته سیاسی با ظهور انقلاب‌ها، دولت ملت‌ها، قانون اساسی‌های نو و متفاوت، نظام‌های سیاسی جدید و پیامدهای گسترده این پدیده‌ها در جوامع بشری از خود اثر بر جای گذاشت که در زیر به برخی مسائل سیاسی مدرنی که در رمان مطرح شده‌اند پرداخته و نظریات متفکرین مختلف را درباره آنها ذکر می‌کنیم.

«ألم تحملك الأحداث على الإيمان بالوطن والديمقراطية؟» (همان: ۲۱) (آیا این رویدادها تو را وادار نمی‌کنند که به میهن و دموکراسی باور داشته باشی؟) اشاره به دموکراسی.

«إنه خط طويل من المآسي؛ ۵ يونيو والانفتاح وروسيا والولايات المتحدة ومملكة المنحرفين» (همان: ۳۳) (این مسأله خط طولی از مصیبت‌هاست؛ ۵ ژوئن، سیاست درهای باز، روسیه، ایالات متحده و سرزمین منحرفان) تاثیرسیاست‌های جهانی بر زندگی.

«أنتم إذا شئت حزب وهمي لا شعار له إلا الرفض» (همان: ۴۷) (شما حزب موهومی هستید که شعاری جز مخالفت ندارد) حزب سیاسی.

«مجلس الشعب كان مكانا للرقص فأصبح مكانا للغناء» (همان: ۴۷) مجلس خلق قبلا جای رقص بود و اکنون جای آوازخوانی شده‌است) مجلس و قوه مقننه.

«هتف للثورة ولبس الحداد في هزيمتها» (همان: ۴۸) (او برای انقلاب (ژوئیه ۱۹۵۲) شعار داد و در شکست آن به عزا نشست) انقلاب.

«الشعب فوق الملك» (همان: ۵۳) (ملت بالاتر از شاه است) توجه به دموکراسی.

«فتية القدر الذين تسلحوا بالإيمان والأحجار و خرجوا و يتحدون الشرطة و الجيش في عيد الدستور الملغي» (همان: ۵۳) (جوانان سرنوشتی که مسلح به ایمان و سنگ بودند و در سالروز قانون اساسی ملغی به خیابان‌ها ریختند و پلیس و ارتش را به چالش کشیدند) قانون اساسی.

«محتشمي زايد من رجال التربية القدامى و شباب الحركة الوطنية» (همان: ۶۳) (محتشمی زاید از معلمان قدیم آموزش و پرورش و جوانان جنبش ملی) جنبش ملی.

«قدم الرئيس في حالة لألاءة كلية القدر» (همان: ۷۶) (رئیس جمهور در هاله‌ای درخشان بسان شب قدر تشریف می‌آورند) دموکراسی و قوه مجریه.

«فلسفه قرن هجدهمی مردم سالاری را می‌توان در این تعریف جمع بندی کرد: روش مردم سالارانه را نهادها و ترتیبات نهاد محوری می‌گویند که به اتخاذ تصمیم‌های سیاسی برای جامعه عمل پوشاندن به منفعت مشترک منجر شده، مردم خود از طریق نمایندگان منتخب خویش و گرد هم آمدن آنها برای به اجرا گذارن اراده آنها، به تصمیم‌گیری بر سر موضوعات مختلف مشغول می‌شوند» (شومپتر، ۲۰۱۲: ۹).

«هیچ موضوع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بدون در نظر گرفتن ارتباط‌های جهانی قابل بحث و بررسی به نظر نمی‌رسد» (مولر، ۱۳۸۴: ۱۳).

«پویایی جهانی شدن به‌وسیله‌ی قدرت‌های اقتصادی تامین می‌شود. اما گسترده‌ترین پیامدهای آن در عرصه سیاست به ظهور می‌رسند» (همان: ۲۷).

«انقطاع دیگر همانا پهنه دگرگونی است. از آنجا که مناطق گوناگون جهان با یکدیگر مرتبط شده‌اند، موجهای دگرگونی اجتماعی کم و بیش سراسر سطح زمین را درنور دیده‌اند» (کیدنز، ۱۳۹۴: ۹).

«در اروپا واژه حزب از قرن ۱۸ در ادبیات سیاسی متداول شد»، «بنجامین کنستان در سال ۱۸۱۶ حزب را چنین تعریف کرد: گردهمایی مردانی که از دکتترین سیاسی یکسانی پیروی می‌کنند» (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۴).

«انقلاب فرانسه مفهوم مدرن انقلاب را به صورت دگرگونی پایه‌ای و ژرفی نشان داد که شامل نابودسازی و جایگزینی نظم قدیمی بود» (هیوود، ۱۳۹۱: ۳۱۲).

«قانون‌های اساسی در اواخر سده هیجدهم به وجود آمدند. عصر قانون‌های اساسی با تصویب نخستین قانون‌های اساسی نوشته شده آغاز شد: قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۸۷ و اعلامیه حقوق بشر و شهروند در سال ۱۷۸۹ در فرانسه» (همان: ۴۱۸).

«جنبش اجتماعی شکل خاصی از رفتار اجتماعی است که در آن انگیزه اقدام عمدتاً از تلقی‌ها و آرمان‌های اعضای جنبش سرچشمه می‌گیرد»، «جنبش‌های اجتماعی را می‌توان تا اوایل سده نوزدهم ردیابی کرد» (همان: ۴۰۷).

۳. نتیجه‌گیری

در رمان «یوم قتل الزعیم» نجیب محفوظ ما با جامعه‌ای مواجه هستیم که جلوه‌ها و آثار مدرنیته را در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دریافت و تجربه کرده‌است، مدرنیته به اکثر بخش‌های آن به جز عقاید و افکار مردم به خوبی نفوذ کرده است و در برابر استیلای مدرنیته بر حالت سنتی‌اش چندان مقاومتی نشان نمی‌دهد و می‌توان گفت که در این رمان برتری خاصی برای

جلوه‌ها، آثار و پیامدهای مدرنیته در جامعه مصر از لحاظ فرهنگ (عقاید) مشاهده نمی‌شود و تمام شخصیت‌های داستان به جز پدر رنده سلیمان مبارک به مفاهیم دینی و اعتقادی جامعه سنتی مصر باورمند هستند و نمی‌توان شخصیتی را در داستان یافت که به طور نظام‌مند به باورها و عقاید سنتی تاخته، آنها را نقد و عقاید مدرن را بر آنها جایگزین کرده باشد و پدر رنده سلیمان مبارک تنها شخص بی‌دین داستان است که با حضور کمرنگ خود در داستان به هنگام خشم به عقاید دینی دشنام می‌دهد و از انجام فرایض دینی سر باز می‌زند که او هم با واکنش‌های منفی اما نه تند اطرافیانش مواجه می‌شود.

اما در بعد اجتماعی، می‌توانیم جلوه‌های مدرنیته را در چند بخش مختلف مانند رسانه و سینما با ظهور وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو و تلویزیون و گسترش فیلم و سریال، بخش حمل و نقل با پیدایش و رواج وسایل نقلیه مانند تاکسی و اتوبوس، بخش تعلیم و تربیت با تقسیم دوره‌های آموزشی و اعطای مدارک تحصیلی مانند دیپلم و فوق لیسانس و سایر پدیده‌های اجتماعی مانند بانک، گرامافون و... که در گذشته نبوده‌اند و تحت تاثیر مدرنیته به وجود آمده‌اند مشاهده کنیم، در حالی که باز برخی مسائل اجتماعی سنتی مانند اصرار به ازدواج زود هنگام زنان برای جلوگیری از پدیده «ترشیده شدن» که در این رمان از زبان مادر و خواهر رنده برای زیر فشار گذاشتن او در فسخ عقدش با علوان مطرح می‌شود به چشم می‌خورند که به کل با خصوصیات زن مدرن منافات دارند.

در بعد اقتصادی نیز نمی‌توان ادعا کرد که به طور گسترده و آشکار به مدرنیته و آثار آن اشاره شده است اما مشاغل نو و مواردی مانند بخش خصوصی اقتصادی مطرح شده‌اند که هویتی مدرن دارند و در ثانی شخصیت‌های داستان همه از وضع نابسامان اقتصادی شاکی هستند که تحت تاثیر «سیاست‌های انفتاح» نظام به وجود آمده پس از انقلاب ژوئیه ۱۹۵۲ است و این انقلاب با شعارها و آرمان‌هایی مدرن شکل گرفته است.

در بعد سیاسی جامعه درون رمان هم توجه به دموکراسی، فواید و ویژگی‌های آن، نظام سیاسی مدرن و قوای سه گانه آن برای مدیریت کشور، صحبت از قانون اساسی و تاثیر فعل و انفعالات سیاسی به شکل جهانی (سیاست جهانی شدن) از جمله مواردی هستند که هویتی مدرن دارند و با وصول مدرنیته به جامعه مصر در آن پدیدار شده‌اند.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۷۳)، *مدرنیته و اندیشه انتقادی*، تهران، مرکز.
- احمدی، بابک (۱۳۷۷)، *معمای مدرنیته*، تهران، مرکز.
- برزگر کلیشمی، ولی‌الله، خدایی‌قشلاق، زهرا (۱۳۹۳)، «محمدعلی پاشا پیشگام نوسازی و نوگرایی در مصر و تلقی وی از مدرنیته»، *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، پاییز و زمستان، ش ۱۵، صص ۶۳-۸۴.
- بهشتی‌نیا، ادریس، رنجبر، ایرج، دستمرد، معصومه (۱۴۰۲)، «بررسی مفهوم عقلانیت مدرن در اندیشه سیدجواد طباطبایی»، *سیاست‌پژوهی اسلامی ایرانی*، تابستان، س دوم، ش ۲، صص ۱۶۲-۱۸۳.
- تورن، آلن (۱۳۸۰)، *نقد مدرنیته*، تهران، گام نو.
- جان ثاری لادانی، زهرا (۱۳۹۱)، «چالش‌های سنت و مدرنیته در چند داستان کوتاه معاصر ایرانی»، *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، پاییز و زمستان، دوره ۱۷، ش ۳، صص ۱۴۱-۱۵۶.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۸۷)، *زمانی برای انسانیت بشر*، تهران، نی.
- حقانی، وحید (۱۳۹۳)، «نسبت میان دین و مدرنیته از نظر ماکس وبر و یورگن هابرماس»، *کارشناسی ارشد*، دانشگاه سمنان.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۹)، *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، بابل، کتابسرای بابل.
- شومپیتر، جوزف (۲۰۱۲)، *سرمایه‌داری، سوسیالیسم و مردم سالاری*، توانا.
- طه، حسین (۲۰۱۷)، *تقلید و تجدید*، وینزر، هنداوی.
- عبدالعزیز، ابراهیم (۲۰۰۶)، *آنا نجیب محفوظ*، قاهره، نفرو للنشر و التوزیع.
- عزیزی بنی‌طرف، یوسف (۱۳۶۹)، *روز قتل رئیس‌جمهور*، تهران، چکامه.
- عسکری، صادق، خدادادیان، ناهید، جهانشاهلو، پرویز (۱۳۹۹)، «مؤلفه‌های پسانوگرایی در داستان *یوم قتل الزعیم* اثر نجیب محفوظ»، *ادب عربی*، زمستان، سال دوازدهم، ش ۴، صص ۱۰۲-۱۲۰.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۴)، *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، تهران، نی.
- فرج، الدكتور السید احمد (۱۹۹۰)، *ادب نجیب محفوظ و اشکالیه الصراع بین الاسلام والتغریب*، قاهره: دار الوفاء.
- قاسم زاده، رضا، فرضی، حمیدرضا، دهقان، علی (۱۳۹۶)، «چالش سنت و مدرنیته در رمان *اهل غرق* منیرو روانی‌پور»، *زبان و ادب فارسی*، بهار و تابستان، سال ۷۰، ش ۲۳۵، صص ۱۸۱-۲۰۳.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۴)، *پیامدهای مدرنیت*، تهران، مرکز.
- مارشال، گوردون (۱۳۸۸)، *فرهنگ جامعه‌شناسی آکسفورد*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، میزان.
- محفوظ، نجیب (۲۰۱۷)، *یوم قتل الزعیم*، وینزر، هنداوی.
- مولر، کلاوس (۱۳۸۴)، *حاکمیت، دموکراسی و سیاست جهانی*، تهران، اختران.
- میرزایی، فرامرز، اکبری، مظفر (۱۳۸۸)، «تحلیل مکتب ادبی داستان سه گانه *نجیب محفوظ*»، *انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، بهار و تابستان، ش ۱۱، صص ۱۱۵-۱۳۵.
- نظری، علی، تفتحی، جنت (۱۳۹۶)، «آثر الدین و تعالیمه فی روایة یوم قتل الزعیم لنجیب محفوظ»، *دراسات الأدب المعاصر*، العدد الثالث و الثلاثون، صص ۹-۳۳.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۸)، *حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع*، تهران، دادگستر.
- هیوود، اندرو (۱۳۹۱)، *سیاست*، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، نی.

Sociological Criticism of the Manifestations of Modernity in the Novel "The Day of the Assassination of the Leader" by Najib Mahfouz Based on Giddens' Theory

Mehrdad Aghaei^{1*} , Hosein Nazari² 

1. Corresponding author, Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. E-mail: m.aghaei@uma.ac.ir
2. Department of Arabic Language and Literature, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. E-mail: hosseinnazari30@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 29 November 2025 Received in revised form: 15 December 2025 Accepted: Published online: Keywords: Modernity, Sociological criticism, Najib Mahfouz, Novel Youm Ghatl Al-Zaim (The Day of President's Murder)	Modernity is a historical phenomenon whose effects and consequences have appeared in all aspects of human life. This emerging phenomenon was a contribution from Western civilization and society to the world, which in most societies affected traditional society with exemplary power and showed its real power. Sociological criticism is one of the methods of criticizing and studying literary works, in which the content of the work and its relationship with society are examined. This criticism uses the theories of thinkers such as Lukács, Goldman, Giddens, etc. Despite the fact that Giddens believes in the soft durability of traditional society against the onslaught of modernity, the famous Egyptian novelist Naguib Mahfouz, in his novel "The Day of the Assassination of the Leader", speaks of conditions in Egyptian society in which modernity has reached a significant degree of stability and durability in most institutions of society. The aim of this research is to examine the manifestations of modernity in the story in this novel by Naguib Mahfouz from a sociological perspective using a descriptive-analytical method. The results of this study show that the Egyptian society depicted in this novel has completely surrendered to modernity in terms of society, politics, and economics, and the only place where no visible effect of modernity can be seen is Egyptian culture (beliefs). In this novel, all the characters in the story, except for the father of the tyrant Suleiman Mubarak, believe in the religious and ideological concepts of traditional Egyptian society, and no character can be found in the story who systematically attacks traditional beliefs and beliefs, criticizes them, and replaces them with modern beliefs.
Cite this article: Aghaei, M.; Nazari, H. (2025). Sociological Criticism of the Manifestations of Modernity in the Novel "The Day of the Assassination of the Leader" by Najib Mahfouz Based on Giddens' Theory. <i>Comparative Critical Studies in Arabic Literature</i> , 1 (1), 1-17.	

Introduction

Modernity in Europe started from the Renaissance period and was proven with the political revolutions of the West, philosophical enlightenment and significant scientific discoveries in various fields, which seriously changed and transformed the face of human life.

Copernicus's revolutionary theory about the centrality of the sun, the emergence of the steam industry, the development of physics by the likes of Newton, Freud's theory about the conscious and unconscious of man, Charles Darwin's theory of evolution and the political revolutions of the western world all joined hands to rob the heavens of holiness and They gave the city to man and created an era that is interpreted as modernity.

However, modernity in eastern societies, including Iran and Arab societies like Egypt, went through a special and sometimes similar process, which, like Europe, started from the criticism of social disorders and superstitions, and its scope extended to the institution of religion and politics. Egypt, as the bearer of modernity among Arab societies, touched the modernity with the attack of Napoleon Bonaparte, and this confrontation with modernity showed its works in various fields such as literature, politics, society, etc., and easily in the style of writing texts, the popularity and concern of literary works and the emergence of new literary genres in Egyptian society such as plays and novels led to the imitation of Western society.

The literature of a nation is the expressive language of that nation, which is responsible for expressing and explaining their conditions, and by examining the literary works of a society, one can understand its social conditions, whether at the time the work was written, or after and before that. Sociology of literature is an interdisciplinary study that uses the findings of literature and sociology and examines literary works according to the theories of sociologists.

This research seeks to answer the following questions with a sociological reading:

1. What effects of modernity did the author of the story deal with in the work?
2. Which of the sections and institutions of the society in the novel are most affected by modernity?
3. To what extent has modernity influenced the society in the novel?

Methodology

The present study seeks to discover and explain the topic and the research problem based on the descriptive-analytical method and examines the said story from a sociological perspective relying on the theories of Anthony Giddens. In this research, the dimensions and effects of modernity have been investigated in four sectors: culture(beliefs), society, economy and politics. The collection of information and research data has also been done through library sources and reliable websites.

Results and Discussion

Modernity was the era when mankind overcame its fears of natural disasters and its unknowns, removed superstitions from science, launched revolutions for its rights and freedom, and tore its chains of slavery from both the church and the agricultural fields. Voting rights and equality became their vital rights. The separation of religion from the state, aversion to religion, the formation of the state of nations, democracy and democracy, emphasis on instrumental reason and the demand for individual freedoms were prominent features of the modern era.

There are disagreements about the starting point of modernity developments, in such a way that some thinkers believe that it started in the 15th century and the conquest of Istanbul by the Ottoman Sultan

Muhammad Fatih, and some say that the beginning of these developments is in the late 19th century and early 20th century.

According to Giddens, the way of living in the modern world is more defined by two images, which Giddens does not consider both of them to be a perfect image, and he discusses another image called "uncontrollable wheel" which is like an uncontrollable machine that has great power and man is able to ride. It is to take from it, but any of it may be out of human control.

Modernity brought many positive and negative consequences for human society. Abuse of these consequences left destructive and destructive effects on human societies. The occurrence of the first and second world wars, countless killings, destruction, displacement of people, etc. are the results of the misuse of this phenomenon.

This story is an epic, social, economic, political and psychological story in which the author has depicted the concerns of the contemporary young generation in the form of the characters of Alwan Fawaz Mohtashmi and Rande Suleiman.

Conclusion

In this novel, Mahfouz talks about the conditions in the Egyptian society that modernity has reached a significant degree of proof and durability in most of the society's institutions, and our analysis also shows that the Egyptian society in the novel is completely committed to modernity in terms of society, politics and economy and the only place where you can't see a visible effect of modernity is the Egyptian culture (beliefs).